

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ : « حُرُوفٌ مَشْبَهَةٌ بِالْفِعْلِ وَلَا النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ »

« حُرُوفٌ مَشْبَهَةٌ بِالْفِعْلِ »: حروفی هستند که بر سر جمله اسمیه می آیند و «مبتدا» را به عنوان «اسم خود» با علامت منصوب (مَنْ، مَنْ، مَنْ، مَنْ) و «خبر» را عنوان خبر خود بدون تغییر (مرفوع مَنْ، مَنْ، مَنْ، مَنْ) قرار می دهند.

- این حروف عبارتند از: «إِنَّ: قطعاً به راستی که - همانا» - «أَنَّ: که -» - «كَأَنَّ: گویی که - مثل اینکه» - «لَكِنَّ: ولی - اما» - «لَيْتَ: ای کاش» - «لَعَلَّ: شاید - امید است - باشد که»

مثال: إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ ← (اللَّهُ اسمٌ انّ ومنصوب / عَلِيمٌ خبرٌ انّ ومرفوع)

لَيْتَ + الْمُسْلِمُونَ مُتَّحِدُونَ ← لَيْتَ الْمُسْلِمِينَ مُتَّحِدِينَ: (المسلمين: اسم لیت ومنصوب به ی / متّحدون: خبر لیت ومرفوع به واو)

***انواع اسم حروف مشبّهه بالفعل:

۱- اسم ظاهر: - إِنَّ الصَّلَاةَ عَمُودُ الدِّينِ: (الصلوة: اسمٌ انّ ومنصوب به فتحه)

لَعَلَّ هَذَا الطَّالِبَ يَتَقَدَّمُ فِي دُرُوسِهِ (هذا: اسمٌ انّ)

۲- فقط ضمیر بارز: - هرگاه ضمائر «هُ - هُمَا - هُمْ - هُنَّ - كَ - كَمَا - كُمْ - كُنَّ - ي - نا» بر سر حروف مشبّهه بیابند، نقش این ضمائر «اسم حروف مشبّهه بالفعل» محسوب می شود. **مثال:**

-إِنَّكَ طَالِبٌ مَجْتَهِدٌ (كَ اسم حروف مشبّهه بالفعل)

-لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ: (هُم اسم حروف مشبّهه بالفعل)

انواع غیر مرفوع مشبّهه بالفعل:

۱- خبر مفرد: یعنی خبر حروف مشبّهه یک اسم باشد. **مثال:**

-إِنَّ الْأَخْلَاقَ الْفَاضِلَةَ زِينَةُ الْعُقَلَاءِ دَائِمًا: (زینة خبرٌ انّ، از نوع مفرد)

۲) خبر از نوع جمله: یعنی خبر جمله فعلیه ویا اسمیه باشد. **مثال:**

-إِنَّ مُحَمَّدًا كَلَامُهُ بَلِيغٌ: (كلامه بلیغ خبرٌ انّ از نوع جمله)

-لَيْتَ الشَّبَابَ يَعُودُ: (يعود خبر لیت از نوع جمله)

۳) خبر از نوع شبه جمله: هر گاه یک ترکیب «جارو مجرور» یا «ظرف زمان یا مکان» خبر برای «حروف مشبّهه بالفعل» باشد «به آن خبر از نوع شبه جمله گفته می شود **مثال:**

إِنَّ صَدِيقَكَ مِنْ أَفْضَلِ النَّاسِ: (من أفضل خبرٌ انّ، از نوع شبه جمله)

كَأَنَّ الْمَوْتَ فَوْقَ رَأْسِنَا: (فوق خبرٌ كأنّ، از نوع شبه جمله)

نکته: اصل در حروف مشبیه این است که ابتدا اسم آنها و سپس خبر ذکر گردد اما به ۲ شرط زیر خبر بر اسم مقدم می شود :

۱- اسم نکره باشد ۲- خبر شبه جمله باشد

مثال: **إِنَّ فِي الدَّارِ رَجُلًا** : (فی الدار خبر مقدم **إِنَّ** ، رجلا اسم مؤخر ان)

لَعَلَّ فِي سَفَرِكَ خَيْرًا : (فی سفر خبر مقدم **لَعَلَّ**، خیراً اسم مؤخر **لَعَلَّ**)

«توضیحات تکمیلی در مورد مروف مشبیه»

۱- **إِنَّ**: للتأكيد:

برای تاکید جمله بعد از خود به کار می رود و به معنای «قطعاً، همانا، به درستی که، بی گمان» است؛ **مثال:**

﴿... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ التوبة: ۱۲۰

بی گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند.

«**إِنَّ**» تکیه کلام عرب است و در بیشتر جملات لازم نیست ترجمه شود و در تست اگر ترجمه نشود اشکالی ندارد.

۲- **أَنَّ**: للربط، للتواصل بين الجملتين: به معنای «که» است و دو جمله را به هم پیوند می دهد؛ **مثال:**

﴿قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ البقرة: ۲۵۹

گفت می دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.

تفاوت «**إِنَّ**» و «**أَنَّ**» این است که «**إِنَّ**» اول جمله و «**أَنَّ**» وسط جمله می آید.

لأنّ: للتعليل، برای بیان علت معمولاً «**لأنّ**» به معنای «زیرا، برای اینکه» است **مثال:**

پرسش: لماذا ما سافرت بالطائرة؟ چرا با هواپیما سفر نکردی؟

پاسخ: لأنّ بطاقة الطائرة غالية. زیرا بلیط هواپیما گران است.

۳- **كَأَنَّ**: للتشبيه أو للتدريد: بیشتر برای تشبیه و همانند سازی و گاهی برای ایجاد شک و تردید می آید

به معنای «گویا» و «مثل اینکه» است؛ **مثال**

﴿كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ﴾ گویا آنها مانند یاقوت و مرجانند. (للتشبيه)

كَأَنَّ عَلِيًّا قَائِمٌ: مثل اینکه علی ایستاده است (للتشك) منظور این است که من شک دارم علی ایستاده است.

۴) **لَكِن**: (لتكميل العبارة و لرفع الإبهام عن ماقبل) www.my-dars.ir

به معنای «ولی و اما» برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جمله قبل از خود به کار می رود. **مثال:**

﴿إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ البقرة: ۲۴۳

بی گمان خدا دارای بخشش بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی کنند.

۵- لَيْتَ: (لِلتَّمَنَى ، لِالرَّجْوِ وَقُوْعِهِ) به معنای «کاش» و «ای کاش» بیانگر آرزوست و به صورت «یا لَيْتَ» هم به کار می‌رود؛ **مثال:**

(وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا) ۴۰

و کافر می‌گوید ای کاش من خاک بودم!

۶- لَعَلَّ: لِلتَّرَجُّيِ وَالرَّجَاءِ) به معنای (شاید و امید است، چه بسا) - برای امیدواری به کار می‌رود. **مثال:**

(إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا * عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ *)-

بی‌گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم امید است شما خرددورزی کنید.

نکاتی پیرامون حروف مشبیه بالفعل:

نکته ۱: اگر خبر لَعَلَّ و لَيْتَ فعل مضارع باشد باید به صورت «مضارع التزامی» ترجمه شود. **مثال:**

لَيْتَ الْمُسْلِمِينَ يَسْتَيْقِظُونَ مِنْ نَوْمِ الْغَفْلَةِ: ای کاش مسلمانان از خواب غفلت بیدار شوند.

لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ: شاید آنها تفکر کنند.

نکته ۲: اگر خبر لیت فعل ماضی باشد خبر آن به صورت «ماضی استمراری و یا ماضی بعید» ترجمه می‌شود. **مثال:**

لَيْتَ الطَّالِبَ إِبْتِعَدَ عَنِ الْكَسَلِ: کاش دانش آموز از تنبلی دوری می‌کرد - کرده بود.

نکته ۳: راه تشخیص دو حرف مشبیه بالفعل **إِنَّ** و **أَنَّ** با «**إِنَّ** شرطیه» و «**أَنَّ** ناصبه»:

۱- **إِنَّ:** قبل از اسم و در ابتدای جمله دیده می‌شود: **إِنَّ** الموادَّ الغذائية تؤثر في قدرة الجسم والعقل.

۲- **أَنَّ:** قبل از اسم و در وسط جمله می‌آید: **أَنَّ** قال أعلم أن الله على كل شيء قدير.

۳- **إِنَّ** شرطیه: قبل از «فعل شرط» می‌آید و همواره شروع کننده جمله است - **إِنَّ** تنصروا لله ينصركم

۴- **أَنَّ** ناصبه: همواره قبل از فعل مضارع و در وسط جمله می‌آید - **يَجِبُ** عَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ يَحْتَرِمَ وَالِدَيْهِ.

نکته ۴: «**ما**» **كافه** (بازدارنده): اگر این حرف (ما) به حروف مشبیه بالفعل «**إِنَّ** و **أَنَّ**» متصل شود عمل حروف مشبیه را ساقط می‌کند. یعنی جمله معمولی بوده و دارای مبتدا و خبر می‌باشد. در ضمن **إِنَّمَا** به صورت «تنها - فقط» ترجمه می‌شود که به آن «**حصر**» گفته می‌شود.

مثال: **إِنَّمَا** المؤمنون إخوة: تنها مؤمنان با یکدیگر برادرند. (المؤمنون: مبتدا / إخوة: خبر)

نکته ۵: اگر بخواهیم جملاتی را که با ضمائر «منفصل مرفوعی هُوَ - هُما - هُم و.....أنا - نحن» شروع شده را با حروف مشبّهة بالفعل تغییر دهیم. این ضمائر منفصل را به ضمیر متصل شان تبدیل می کنیم و به «حروف مشبّهة بالفعل» متصل می کنیم .

مثال: إِنْ + أَنْتُمْ + طَالِبُونَ : إِنْكُمْ طَالِبُونَ : (ضمیر کُم: اسم إِنْ / طَالِبُونَ: خبر إِنْ)

- إِنْ + أَنَا + فَائِزٌ : إِنِّي فَائِزٌ : (ضمیر ی: اسم إِنْ / فَائِزٌ: خبر إِنْ)

- لای نفی جنس (ناسخه):

بر سر جمله اسمیه می آید و مبتدا را به عنوان اسم خود منصوب و خبر را به عنوان خبر خود مرفوع باقی می گذارد. و به معنای «هیچ نیست» است. **مثال:**

لِلْبَاسِ أَجْمَلٌ مِنَ الْعَافِيَةِ: هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست. (لباس: اسم لای نفی جنس و منصوب / أجمل: خبر لای نفی جنس مرفوع)
*در مورد خبر لای نفی جنس باید بدانیم که :

مانند همه خبرها به سه صورت (مفرد ، جمله ، شبه جمله) می آید و فقط در حالت مفرد مرفوع می باشد.

مثال: مفرد: لَأَفْقَرُ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ جمله: لَاتَلْمِيزُ خَضْرَ فِي الصَّفِّ. شبه جمله: لَارْجُلٌ فِي الْبَيْتِ.

(۱) اسم لای نفی جنس همیشه مفتوح است -

(۲) اسم بلافاصله پس از لای نفی جنس می آید -

نکاتی در مورد اسم لای نفی جنس :

(۳) نکره است.

(۴) ال و تنوین نمی گیرد.

(۵) هیچگاه اسم لا بر خبرش مقدم نمی شود.

نکته: گاهی اوقات خبر لای نفی جنس حذف می شود: **مثال:**

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ در اینجا خبر موجود بوده که حذف شده است. و یا در عباراتی مانند لا شَكَّ ، لا بَأْسَ.....

نفی فعل مضارع: فعل مضارع را منفی می کند. لَانْذَهَبُ: نمی رویم

نهی (ناهیه): مضارع مجزوم / ترجمه مضارع التزامی منفی لاتکْتُبُ: ننویسید

جواب: در جواب «أوهل» به معنای «نه» می آید. هل أنت مُدْرَسٌ؟ لا ،أنا تلميذ

نفی جنس: بر سر اسم می آید و معنای «هیچ..... نیست» می دهد. لَارْجُلٌ فِي الْبَيْتِ

عطف (عاطفه): بین دو کلمه و به معنی «نه» به کار می رود. شرفُ المرءِ بالأدبِ ولا بالنسبِ

انواع «لا»

سوال‌ت تستی

۱- عین الصحیح عن « لا » النافیة للجنس:

- (۱) للاحیاء وعفاف وأدب إلاً لعقل ثابت!
 (۲) لا العزّة إلاً لربنا الرّحیم الذی له کلّ شیء!
 (۳) لا أتذکرُ زمانَ ذهابنا إلی تلك الجولّة العلمیة!
 (۴) لا شعبَ من شعوب العالم إلاً وله طریقةٌ للعبادة!

۲- عین ما لانرجو وقوعه:

- (۱) لعلّ الفوزَ حلیفک فی الدنیا!
 (۲) كأنّ الخیرَ ینزل علیک قریباً!
 (۳) لیت النّجاحَ یتحقّق فی حیاتک!
 (۴) یدعی أنّه کریمٌ لکنّ الواقعَ لایؤیدُ ذلك!
 ۳- کتّب علی السّبوره: لیت تلامیذنا لامتحانات نهاییة السنّة! « عین الصحیح للفراغات:

- (۱) المعلمون - مستعدون
 (۲) المعلمون - مستعدین
 (۳) المعلمین - مستعدین
 (۴) المعلمین - مستعدون

۴- عین « لا » لنفی الجنس:

- (۱) الذی لایعمل بجدّ لن یری النّجاح فی حیاته!
 (۲) سلّمت علی صدیقی لا علی جمیع الحاضرین!
 (۳) یجب أن نعترف بأنّه لایفیع فی مجالسة الجهال!
 (۴) إنّ أخاه لایدرس فی البیت ، بل فی المدرسه!

۵- عین الحرف یدلّ علی التشبیه:

- (۱) لیت الفرصة تُغتنم لیسْتفادَ منها أكثر!
 (۲) كأنّ مزرعة القمح صفحۀ ذهبیة جميلة!
 (۳) كأنّ الله لایرحمُ من لایرحمُ الناس!
 (۴) كأنّ الإنسان لایریدُ أن یصلَ إلی الله تعالی!

۶- عین الخطأ فی نوعیة « لا »:

- (۱) هذه سنّة قد جعلها الله بأنّه لا تقدّم مع الجهل! نافیة للجنس
 (۲) لاتسمح للیأس أن یتسرّب فی نفسک! نافیة
 (۳) لایذهب المؤمن إلی مجالس السوء! لاناھیة
 (۴) لاشیء أجمل من الصبر عند مواجهة المشاكل! نافیة للجنس

۷- عین حرفاً جاء لرفع الإبهام عن الجملة:

- (۱) لاعجب أنّک نجت لآنک درست جیداً!
 (۲) یقول المدير: لعلّ معلّمکم یجیء الأسبوع القادم!
 (۳) یا لیتنی لم أتخذ فلاناً خلیلاً!
 (۴) کأنّک مُتردّد فی عملک ولكنّنی عازم علی مواصلة العمل!

۸- عین « لا » النافیة للجنس:

- (۱) لا تحسّر علی مافاتک حتّی دقیقة واحدة!
 (۲) لادین لمن یسخر من أخیه أمام الآخرين!
 (۳) إنّ المؤمن لایکذب من أجل خشیة الله!
 (۴) جاءنی أصدقائی فی یوم میلادی بالورود لا بالحلویات!

۹- عین الخطأ في المحل الإعرابي:

- (۱) «ولايحزنك قولهم إن العزة له جميعاً»: فاعل ومرفوع - اسم «إن» ومنصوب
 (۲) « ذلك الكتاب لاربيب فيه هدى للمتقين»: اسم «لا» النافية للجنس - مجرور بحرف الجر
 (۳) هل تعلم أن الدلفين يبكي ويضحك كأطفال؟: اسم «أن» ومنصوب - مجرور بحرف الجر
 (۴) إنما الفخر لعقل ثابت: اسم إن ومنصوب - صفت ومرفوع بالتبعية

۱۰- عین ما ليس فيه يدل على الإستمرار:

- (۱) لعل الطالبات يتقدمن في شؤونهن الدراسية!
 (۲) ليت أبي رجع من سفرته قبل حفلة ميلادي!
 (۳) عین عبارة النفي فيها أشد:
 (۱) لا يوجد كنز أغنى من القناعة!
 (۲) كان في مدينتنا شاب يفتخر الأهالي به افتخاراً كثيراً!
 (۳) ليت أبي رجع من سفرته قبل حفلة ميلادي!
 (۴) كان الشعراء الإيرانيون يسافرون إلى البلاد العربية!
 (۱) لا يوجد كنز أغنى من القناعة!
 (۲) سلمت على صديقي لا على جميع الحاضرين!
 (۳) لاتعش في حياتك كالذي يأمر الناس بالبخل!
 (۴) يجب أن نعتزف بأنه لا نفع في مجالسة الجهال!

مای درسی
 گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir